

قصاص و دیات در ادیان

(اسلام - مسیحیت - یهود)

حسین شاطمی اظهر



انتشارات نو شناخت

سرشناسه	:	فاطمی اطهر، حسین
عنوان و نام پدیدآور	:	قصاص و دیات در ادیان: (اسلام- مسیحیت- یهود) / حسین فاطمی اطهر.
مشخصات نشر	:	تهران: نوشناخت، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۱۴۲ ص.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۸۳۶۶-۰۸-۲
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه
موضوع	:	قصاص (فقه)
موضوع	:	Lex talionis (Islamic law)
موضوع	:	مسیحیت
موضوع	:	Christianity
موضوع	:	یهودیت
موضوع	:	Judaism
موضوع	:	یات
موضوع	:	Blood money (Islamic law)
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷ / ۳۷۴۲۲ / BP۱۹۵
رده بندی دیویی	:	۳۹۷ / ۳۷۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۶۱۸۸۴۸

قصاص و دیات در ادیان (اسلام - مسیحیت - یهود)

حسین فاطمی اطهر

ویراستار فنی و صفحه آرا: لعیا هاشمی اقدم

ناشر: انتشارات نوشناخت

چاپ نخست: زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵,۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر محفوظ است.



انتشارات نوشناخت

۰۹۳۸۹۵۱۵۹۹۳

۰۹۳۸۶۵۸۱۸۷۱

www.noshenakht.com

info@noshenakht.com

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه
۱۹	گام دوم
فصل اول: قصاص	
۴۳	تعریف قصاص
۴۴	فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام و قرآن
۵۰	پیشینه تاریخی قصاص
۵۳	۱- قصاص و الواح دوازده گانه روم قدیم
۵۶	الف) بریدن عضوی از اعضای بدن انسان
۵۶	ب) شکستن استخوان ها
۵۶	ج) تعدی ساده
۵۷	د) قتل نفس
۵۷	۲- قصاص در قوانین بابل و آشور
۵۸	۳- قصاص در قوانین مصر قدیم
۵۹	۴- قصاص نزد عرب قبل از اسلام
۵۹	۵- قصاص در تورات
۶۳	۶- قصاص در انجیل

فصل دوم: دیه

- ۷۶ مراحل تطور اجتماعی انسان
- ۷۶ (۱) دوره توحش و بربریت
- ۷۶ (۲) مرحله کشاورزی
- ۷۷ (۳) عصر تمدن
- ۸۲ تعریف دیه
- ۸۴ تعریف دیه از نظر فقهای مذاهب اسلامی
- ۸۵ تعریف دیه از نظر فقهای معاصر
- ۸۶ تعریف ارش
- ۸۹ مراحل دیه
- ۸۹ (۱) مرحله اختیاری دیه
- ۸۹ (۲) مرحله اجباری دیه

فصل سوم: نمودهای دیه

- ۹۵ نمودهایی از دیه نزد ملل ابتدایی گذشته
- ۹۶ نمودهای دیه در قانون گذاری های شرقی
- ۹۶ ۱- نمودهای دیه در قانون گذاری های بابل و آشور
- ۹۷ الف) مجموعه قوانین میزویوتامی بابلی

- ۲- نمودهای دیه در قانون اورنامو..... ۹۷
- ۳- نمودهای دیه در قانون بالالاما..... ۹۸
- ۴- نمودهای دیه در قانون حمورابی..... ۹۹
- ب) قانون آشور..... ۱۰۱
- ۵- نمودها، دیه در قانون فرعونى..... ۱۰۳
- قصاص و اعدام گرفتن از جانی..... ۱۰۴
- الف) کیفر بزرگى مانع..... ۱۰۵
- ب) کیفر دار زدن..... ۱۰۵
- ج) کیفر اعمال شاقه..... ۱۰۶
- د) کیفر زندان..... ۱۰۶
- هـ) کیفر معانقه جسد کشته..... ۱۰۶
- ۶- نمودهای دیه نزد عرب جاهلیت..... ۱۰۷
- احکام دیه داخل یک قبیله..... ۱۰۸
- خلع مجرم..... ۱۱۰
- ۱- ارتکاب جرم در داخل قبیله خود..... ۱۱۰
- ۲- ارتکاب جرم در خارج از قبیله خود..... ۱۱۱
- احکام دیه در میان قبایل مختلف..... ۱۱۱
- الف) خون‌خواهی و انتقام..... ۱۱۲

- ب) قصاص نزد عرب جاهلیت ۱۱۴
- ج) دیه نزد عرب جاهلیت ۱۱۶
- نمودهای دیه در قانون‌گذاری‌های کهن غربی ۱۲۰
- ۱- نمودهای دیه در قانون‌گذاری‌های یونان ۱۲۰
- ۲- نمودهای دیه در قانون روم ۱۲۲
- نظام پرداخت دیه در قانون روم ۱۲۳
- دیه نفس در قانون روم ۱۲۶
- ۳- نمودهای دیه نزد قبایل انگار ساکسون ۱۲۷
- نمودهای دیه در تورات و انجیل ۱۲۹
- نمودهای دیه در تورات ۱۲۹
- ۱- کیفر قتل عمد ۱۳۰
- ۲- کیفر ضرب و جرح و قطع ۱۳۱
- ۳- دیه ۱۳۱
- نمودهای دیه در انجیل ۱۳۴
- منابع و مآخذ ۱۳۷

مقدمه

در اعصار دیرینه و هنگامی که آذوقه برگرفتن از زمین بدون وساطت انسان‌ها صورت می‌گرفت، نظام دیه وجود نداشت. در آن عصر مردم برای تأمین معاش خود به چیزهایی متکی بودند که طبیعت به آن‌ها می‌بخشید. انسان آن دوره، مالکیت را نمی‌شناخت، خواه مالکیت فردی و خواه مالکیت اشتراکی، و هیچ چیز ارزش‌داری نداشت که مجنی علیه به‌سوی آن برانگیخته شود تا از انتقال و خون‌ریزی اجتناب نماید که تنها کیفر آن دوران بود منصرف گردد.

قبیله "بوشمان" که در حال حاضر در جنوب آفریقا زندگانی می‌کنند، بهترین نمونه زندگی جامعه‌های ابتدایی هستند که در عصر توحش زندگانی می‌کردند؛ زیرا افراد این قبیله تاکنون بر روی خاشاک‌های زمین، یا بر آنچه از حیوانات شکاری به‌دست می‌آورند، زندگانی می‌کنند. از هیچ ابزار و ادواتی بهره نمی‌گیرند جز اندکی از ابزارهای ابتدایی که افراد خانواده‌ها برای خود می‌سازند و چون کسی از خانواده‌ای کشته شود، چیزی در دست ندارند تا به‌عوض جنایت، به خانواده و خویشان تحویل داده شود. از این‌رو تنها مجازات آن جنایت نزد قبایل بوشمان همان انتقام گرفتن از جانی است، چنانچه مطالعه خواهیم کرد.

شناخت جوامع ابتدایی از نظام دیه، با آغاز پیدایش مالکیت چیزهای ارزشمند در چشم دیگران پیوند خورده و این در عصر پس از توحش بوده است و آن عصری است که جامعه‌های ابتدایی کشاورزی را شناختند.

در این عصر، این جامعه‌ها در جاهای مسکونی آغازین فراهم آمدند و با زمین ارتباط پیدا کردند و در نتیجه به تملک چیزهای باارزشی دست زدند، از قبیل حیوانات سودمند برای کارهای کشاورزی و بردن بارهای سنگین و جابه‌جا شدن و از اینجا به آنجا کوچ کردن. همچنین انسان در این عصر برخی از ابزارهای ابتدایی کشاورزی را ساخت و مالک شد، ابزارهایی که به او در کشاورزی بر روی زمین کمک می‌کرد. در نتیجه برخی فرآورده‌های کشاورزی مانند دانه‌ها و نیز برخی میوه‌ها را مالک گردید و امکان یافت آن‌ها را با آنچه دیگران داشتند، مبادله کند.

افزون بر این در نظر جوامع ابتدایی فرد دارای ارزش اجتماعی بزرگی شد؛ زیرا انجام کارهای کشاورزی نیاز دفاع از کیان جوامع در برابر تجاوزات دیگران امری بود که ارزش «فرد» را بالا می‌برد. از این رو، فتنه‌رفته به جای انتقام گرفتن که موجب کشته شدن افراد می‌گردید به نظامی عدول کردند و بر پایه پرداخت عوض مالی برای جبران جنایت استوار بود و از آن میان قوم عرب‌ریان اصطلاح «دیه» را برای این عوض مالی برگزیدند.

از آنچه گذشت آشکار می‌شود که شناخت جوامع ابتدایی از نظام دیه، به آغاز عصر کشاورزی و آغاز مالکیت چیزهای باارزش می‌گردد. از آن هنگام برای آنان ممکن گردید که منازعات میان خود را از راه پرداخت عوضی برای جبران سر که نام آن دیه گردید، تسویه و حل و فصل کنند.

شناخت فلسفه احکام اسلامی از موضوعاتی است که هم در امکان و هم در ضرورت آن بحث‌های زیادی وجود دارد. آیا برای انسان راهی برای درک و شناخت فلسفه احکام وجود دارد؟ اگر وجود دارد آیا آن راه صرفاً بیان و تبیین خود شارع است یا این‌که عقل انسان هم مستقلاً می‌تواند به درک مبانی احکام و اهداف شارع نایل شود

یا احياناً راهی مرکب از بیان شارع به همراه تحلیل عقلانی آن در این زمینه وجود دارد؟ به فرض این که راهی به سوی درک اهداف شارع در قانون گذاری وجود داشته باشد، آیا بحث و بررسی و طی کردن این راه ضرورت دارد یا یک بحث بی ثمر و فاقد هرگونه کاربُرد علمی و عملی است؟

قبل از وارد شدن به این مباحث، لازم است مسیر این بحث را از بحث فقهی جدا کرد. در فقه امامیه عقل به عنوان یکی از منابع احکام پذیرفته شده، ولی قیاس که استدلال عقلی ظنی برای اثبات و شناخت احکام اسلامی است، مردود دانسته شده است. در قیاس، شناخت علت حکم و اثبات آن در مورد دیگر لازم است؛ مثلاً برای اثبات این که حکم آب جو حرام است، باید اثبات شود که علت منحصر حرمت شراب، مستکنندگی آن است و آب جو نیز مستکننده است، بنابراین، آب جو نیز حرام است؛ زیرا علت حکم، همواره موجب تعمد حکم یا تخصیص آن می شود. ولی از آنجاکه شناخت علت حکم به صورت قطعی امکان پذیر نیست، لذا نمی توان بر فرض اثبات آن در موارد دیگر، حکم شرعی آن موارد را این اثبات نمود. عدم امکان به کارگیری این شیوه استنباط در فقه امامیه، مانع از پرداختن به موضوع دیگری به نام فلسفه احکام نیست.

همان گونه که در بخش اول این کتاب خواهد آمد، علت حکم با فایده و حکمت آن متفاوت است؛ فلسفه حکم عبارت از مصلحت و مفسده ای است که زیربنا و اساس یک حکم شرعی است و شارع برای تحقق آن در فرد، جامعه یا در هر دو، به تشریع آن حکم پرداخته است و بدون تردید این مصالح و مفاصد به صورت نوعی مورد توجه قانون گذار بوده است و عدم تحقق آن ها در یک یا چند مورد، خدشه ای به عمومیت و

کلیت آن حکم وارد نمی‌کند، همان‌گونه که نسبی بودن این مفاسد و مصلحت‌ها، مانع از جریان این احکام نمی‌گردد.

بدون تردید، در این عالم، مصلحت انسان‌ها در مواردی با یکدیگر تعارض پیدا می‌کند، همان‌گونه که مصلحت افراد با مصلحت عمومی ممکن است در تعارض و تزامم واقع شوند و در این موارد راهی جز تقدیم مصلحت اهم بر مصلحت مهم وجود ندارد. شارع نیز احکام خود را براساس همین قاعده عقلی تشریع نموده است و به‌همین دلیل گفته شده است که احکام دایر مدار حکمت و فلسفه خود نیستند. برخلاف علت حکم که حکم همواره دایر مدار آن است و با تحقق آن، حکم نیز تحقق پیدا می‌کند و با رفتن آن، حکم نیز منتفی می‌شود؛^۱ لذا اثر به س که تبدیل شود، چون دیگر مست‌کننده نیست موجب مستی می‌گردد؛^۲ لذا اثر به س که تبدیل شود، چون دیگر مست‌کننده نیست حرمت آن از بین می‌رود، ولی وقتی از فلسفه حرمت شراب سخن گفته می‌شود، منظور این است که نوشیدن مایع مست‌کننده چه اثرات سویی برای فرد و جامعه به همراه دارد و چرا خوردن این‌گونه مایعات از طرف شارع ممنوع گردیده است. طبیعی است که عدم امکان شناخت علت حرمت شراب، مانع از بررسی آثار و سبب نوشیدن این مایع نیست. یک محقق می‌تواند بدون این که علت حرمت آن را بداند به بررسی آثار سوء مصرف از این نوشیدنی بر سلامت جسمانی انسان‌ها و نیز بر روابط اجتماعی آن بپردازد.

بنابراین، ممنوعیت قیاس در فقه امامیه، نباید مانع از پرداختن به مباحث مهم فلسفه احکام گردد؛ اتفاقی که به نظر می‌رسد در گذشته واقع شده است و ما در میان آثار اندیشمندان مسلمان شیعی کم‌تر به اثری مستقل و جامع در زمینه فلسفه احکام برمی‌خوریم و به جرأت می‌توان گفت که این موضوع هیچ‌گونه سابقه مکتوبی ندارد.

۱. الخمر حرام لانه مسکر.

برخلاف فقها و اندیشمندان اهل تسنن که در این زمینه کتاب‌های مستقلی نوشته و از قدیم به این موضوع توجه داشته‌اند.

با مفروض دانستن این اصل موضوعی که احکام اسلام در مرحله ثبوت مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی است^۱، سخن در مرحله اثبات این مبانی است، آیا در این مرحله، راهی به سوی کشف مصالح و مفاسدی که زیربنای احکام اسلامی هستند وجود دارد یا خیر؟ آنچه در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته این است که احکام اسلام، علاوه بر این که از طرف خود شارع در موارد متعدّد مدّل گردیده است و حکمت و مصلحت بسیاری از احکام تبیین شده است، از طریق عقلی هم قابل توجیه و تبیین می‌باشند. خود شارع نیز به تأمل و اندیشه در مورد بسیاری از احکام دعوت نموده و از انسان‌ها خواسته است که عقل و اندیشه خود را بر تحالیل احکام به کار گیرند؛ از جمله در مورد قصاص، وقتی خود شارع فلسفه آن را بیان می‌کند، خطاب خود را متوجه صاحبان فکر و اندیشه می‌کند و می‌گوید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان زردا! شاید شما تقوا پیشه کنید^۲ و این اشاره به این واقعیت است که تنها صاحبان فکر و اندیشه و عقل می‌فهمند که قصاص موجب حیات خواهد بود.

این راه به‌ویژه در مورد احکام غیرعبادی بسیار روشن و واضح است، اگرچه در مورد احکام عبادی طیّ این راه انسان را به نتایج اطمینان‌بخشی نمی‌رساند، اما ضرورت پرداختن به موضوع فلسفه احکام که به‌نظر می‌رسد مورد تردید و انکار بسیاری از اندیشمندان اسلامی نیز بوده است، از مسائلی است که به‌ویژه در روزگار ما به‌خوبی قابل اثبات است.

۱. این اصل در بخش سوم به‌طور مبسوط مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. بقره/ ۱۷۹.

لزوم پذیرفتن تعبدی احکام دین که ملاک ارزیابی ایمان و اعتقاد پیروان یک شریعت است و شعبه‌ای از عبودیت انسان در مقابل صاحب شریعت به حساب می‌آید، اگرچه هر انسان معتقدی را از پی‌جویی فلسفه و حکمت احکام بی‌نیاز می‌کند، ولی هرگز نمی‌تواند در تقابل و رویارویی با اندیشه‌ها و اعتقادات دیگر به عنوان یک دلیل کافی برای اثبات برتری یک اعتقاد به کار گرفته شود. تعبد در احکام برای کسی مفید است که اصل دین را براساس عقل پذیرفته باشد، ولی برای کسی که اصل دین را باور ندارد، اثبات برتری و صحت یک قانون دنی جز از راه توجیه عقلانی امکان‌پذیر نیست. کسی که معتقد است یک قانون از طرف شارع حکیم با توجه به کلیه جوانب موضوع، وضع گردیده است، باید بتواند با عقل و حکمت خود که نشأت گرفته از عقل و حکمت الهی است به تبیین و تحلیل عقلانی آن قانون بپردازد، به‌ویژه که خود شارع تنها به بیان احکام و الزام تعبدی انسان‌ها به آن احکام اکتفا نکرده است، خود در موارد متعدد به همراه بیان حکم برای مسلمان‌ها به توجیه و تبیین آن نیز پرداخته است که موارد متعددی از آن در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.

در گذشته که احکام اسلامی صرفاً در مدارس و محافل علمی مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت، پرداختن به فلسفه احکام چندان ضرورتی نداشت. ولی در حال حاضر که پس از قرن‌ها احکام اسلام مبنای اداره یک جامعه قرار گرفته است و کلیه روابط حقوقی مردم براساس آن تنظیم می‌گردد و کارآیی آن در این زمینه از طرف بسیاری از غیرمعتقدین به اسلام و حتی برخی از دیگراندیشان مسلمان مورد تردید قرار گرفته است، بدون تردید، اندیشمندان مسلمان باید یک تلاش جدی و پیگیر را برای دفاع عقلانی از احکام شریعت، به‌ویژه در بُعد اجتماعی، آغاز کنند و برتری احکام اسلامی را بر هر قانون و حکم دیگری به اثبات برسانند.

ضرورت این تلاش علمی، به‌خصوص در مورد احکام جزایی اسلام بیش‌تر و روشن‌تر است، به‌دلیل این‌که اولاً احکام جزایی اسلام با سایر قوانین و مقررات کیفری تفاوت زیادی دارد و بسیاری از احکام جزایی اسلامی نسبت به سایر مکاتب حقوقی منحصر به فرد است. ثانیاً احکام کیفری به حقوق و آزادی‌های فردی مربوط می‌شود و این حکومت اسلامی براساس این احکام در حقوق و آزادی‌های فردی دخالت می‌کند و این می‌تواند عاملاً برای اعتراض مجامع بین‌المللی در خصوص عدم رعایت حقوق بشر در جوامع اسلامی باشد. ثالثاً این شبهه که تحوّل شرایط و خصوصیات زندگی اجتماعی، مانع از این است که احکام اسلام، که برای تنظیم روابط مردم در یک زندگی بسیار ساده و ابتدایی وضع گردیده است، بتواند در حال حاضر نیز به تنظیم روابط اجتماعی مردم بپردازد، در مورد احکام کیفری اسلام بیش‌تر مطرح می‌شود.

از میان احکام کیفری اسلام نیز به‌نظر می‌رسد قصاص از این نظر در اولویت قرار دارد، لذا در این کتاب، یک تلاش ابتدایی و تخصصی برای توجیه مجازات قصاص هم از نظر خود شارع و هم از نظر تحلیل عقلی صورت گرفته است که امید است قدم‌های بعدی با قوّت و سرعت بیش‌تر برداشته شود.

این کتاب در سه بخش تنظیم گردیده است: بخش اول به بحث قصاص اختصاص یافته، بخش دوم به دیه در اسلام پرداخته است و در بخش سوم نموده‌های مورد بررسی قرار گرفته است.

در پایان از برادران عزیزم جناب آقایان عماد حاجی جعفری و سیدمیثاق ترابی و سرکارخانم زهرا حیدری که در تایپ و طراحی جلد این اثر ما را همراهی کردند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

حسین فاطمی اطهر

زمستان ۱۳۹۷